

ایران زمین

گاتاها و تأثیر آن بر دانش در ایران باستان و در جهان

فریبرز رهنمون

(برگردان از انگلیسی بدستکاری آقای فرامرز امجدی)

پژوهشهای مربوط به "یاخته های ریشه ای" (ستم سل) موضوع روز و نمونه خوبی است از آنچه دانش میتواند انجام دهد. دانشمندان از این راه امیدوار به درمان بسیاری از بیماریهای بدون درمان امروزی میباشند. برای نمونه میتوان از بیماری قند، الزایمر (فراموشی)، آسیب دیدگی ستون مهره ها و جلوگیری از نارسایی قلب بوسیله جوان سازی ماهیچه های قلب نام برد. "یاخته های ریشه ای" نوعی یاخته (سلول) هستند که از خود شناسه خاصی نداشته و میتوانند مشخصات اندامی را که باید ترمیم شود بپذیرند. مانند کاغذ سپیدی که میتوان هر نقشی را بر آن کشید. "یاخته های ریشه ای" اندکی پس از آمیختن اسپرم و تخمک و تشکیل نطفه بوجود میآیند و در ظرف چند روز شکل اندامهای مختلف بدن را میگیرند. دانشمندان به "یاخته های ریشه ای" قبل از شکل گیری اندامی آنها، برای تحقیقات و استفاده احتیاج دارند.

ایران زمین

امروزه بیشتر دینها مخالف این پژوهشها بوده و خواهان توقف آنها هستند. برهان ایشان این است که در آن زمان که اسپرم مرد و تخمک زن درهم میآمیزند، زندگی شکل گرفته میشود و زندگی میباید مورد احترام قرار گیرد زیرا خداوند بآن هستی بخشیده حتی اگر نطفه در لوله آزمایشگاهی بسته شده باشد. در برابر بعضی از دانشمندان برهان میآورند که روزانه میلیونها تخمک و اسپرم بدور ریخته میشوند. حال اگر شماری از آنها به شکلی که در کلینیکهای بارداری مرسوم است در لوله های آزمایشگاهی پرورش داده شود و از آنها برای پیشرفت دانش و درمان بیماریها استفاده شود، آنگاه زندگیها نجات داده خواهد شد و رنجها کاهش خواهد یافت.

قابل توجه است که کشتن انسانها به نام مذهب از دیدگاه مذهبی در جاهایی پذیرفته شده و حتی موجب باز شدن درهای بهشت بروی کشنده میشود، ولی آزمایش با "یاخته های ریشه ای" که هنوز شکل هیچ اندام انسانی را بخود نگرفته بازخواست میشود.

دیگران جدل میکنند که بیماریهای کشنده اراده پروردگار بوده و دانشمندان حق دخالت در خواسته خدا برای مردم را ندارند.

در زمینه "دانش" - مذهب و دانش هیچگاه دیدگاه مشترکی نداشته

ایران زمین

اند. از سقراط تا گاليله و تا به امروز هرکس که حقیقت را پیگیری کرده بهای سنگینی پرداخته است.

بر خلاف اینها - گاتاها آموزش های آموزگار و اندیشمند بزرگ ایران زرتشت، پیشرفت و سازندگی را میآموزد و برای حل و آسان نمودن چنین مشکلات پیچیده رهنماست. آنچه زرتشت در گاتها بیان کرده دانشمندان و اندیشمندان امروز باید پژوهش نموده و پیگیر نمایند زیرا گاتها برای کسانی است که تشنه دانستن هستند.

اکنون از اینها سخن میگویم برای آنهایی که خواستارند،
از گوهرهای دانش که دانایان در جستجوی آنها هستند
و بآنها گوهرهای آفرینش میگویند و آفرینش والای خرد ،
(از) نیروی فراگیر راستی (اشا)
(تا) براستی راههای بیشتر و بهتری آشکار سازیم ،

بسوی رسائی

زرتشت - گاتا یسنا هات ۳۰ بند (۱) (ف ر)

گاتها آموزشهای زرتشت، آموزگار و اندیشمند دنیای کهن که تا به امروز کسی از او پیشی نگرفته، همگی در باره خرد و

ایران زمین

دانش است و اینکه چگونه میبایست پوینده دانش باشیم. آموزشهای زرتشت هدف زندگی انسان را بیان کرده و نشان میدهند که چگونه میتوان به این هدف رسید. این آموزشها روشن و بدور از پیچیدگی میباشند، بستگی به نادیده ها و ناشناخته ها ندارند و بر مبنای راستی هستند. راستی که در پیرامون ما در این کره خاکی وجود دارد. راستی که در خرد آفرینش (هنجار هستی) وجود دارد و در دسترس آنانی است که خواهان فهمیدنش باشند.

در آموزشهای زرتشت خرد، دانش، سازندگی و پیشرفت واژه های بنیانی زندگی هستند. او از توانایی و ناتوانی اندیشه به ما رهنمود میدهد و از بخش اهری اندیشه (اهریمن) هشدار میدهد. اندیشه و خرد انسان توان آن را دارد که زیان برساند اما خردمندان با انتخاب راه راستی از این زیان جلوگیری میکنند.

و این اندیشه ها در آغاز

به صورت اندیشه های متضاد پدیدار شدند

در منش و گویش همچنان در کنش

و آنها خوب و بد بودند

و از اینها دانایان خوب را برگزیدند

ایران زمین

نکردند چنین نادانان

زرتشت - گاتا یسنا هات ۳۰ بند (۳) (ف ر)

یک جامعه ، یک شهر و یک ملت که اندیشه راستی داشته باشد راه را درست انتخاب کرده و پیشرفت میکند. در همان زمان بدانیشان باعث ویرانی میشوند. این خرد زندگی است و زرتشت میخواهد که همگان آنرا شناخته و بفهمند.

و همچنین این اندیشه ها با هم

در آغاز پدید آورده اند

زندگی و نازندگی را و

چنین خواهد بود

پدیدار شدن بدی از سوی بد گویان

و از نیک اندیشان بهترین منش

زرتشت - گاتا یسنا هات ۳۰ بند (۴) (ف ر)

چاره

زرتشت از چاره ای سخن میگوید که در درازای زمان آزموده شده است. او میگوید که تنها با دادن آگاهی و افزودن دانش است که

ایران زمین

میتوان اندیشهٔ بداندیشان را دگرگون کرد. او اطمینان میدهد که با افزایش آگاهی خوب و پیشرفت حتی بداندیشان و نزدیکان آنها را به راه دُرست میشود بُرد و آنها نیز به رستگاری خواهند رسید.

این پیام و راهنماییِ خوب میآورد

بر منش، دانش خوب و

آن فرد پیش می رود

و بدست می آورد درست کاری را

همچنین کسانی که به او نزدیک اند

این پیش از این آزمایش شده است

زرتشت - گاتا یسنا هات ۳۰ بند (۷) (ف ر)

آزمون زمان

در طی تاریخ میتوان دید که این سروده ها ۲۵۰۰ سال پیش از این بوسیلهٔ دودمان هخامنشیان با پیروزی به کار گرفته شده است. کورش بزرگ بابل را که مردمش به زور باج و خراج سنگین برای ساختن پرستشگاه جدیدی برای خدایان واداشته شده بودند، آزاد میکند اما باورهای خود را به ایشان تحمیل نمیکند. به جای آن به «مردوخ» خدای بزرگ بابلیها ارج میگذارد.

ایران زمین

یک نسل پس از آن، «هرودوت» که در بابل سفر میکرد نوشت: "برپاساختن پیکره، پرستشگاه و محراب در میان آنها پذیرفته شده نیست و هرکس که چنین کند نادان دانسته میشود. از این روست که مذهب پارسها بر خلاف مذهب یونانیها به پیکره ها بستگی ندارد." هرودوت ادامه میدهد: "... آنها محراب نمیسازند و آتشی نمی افروزند و برای خدایان پیشکش نمیآورند. تاج گل، خوراک ویژه و نوای نی که برای ما آشناست نزد آنها فایده ای ندارد." او میافزاید: "... پرستندگان تنها اجازه دارند که برای شاه و خوشبختی جامعه نیایش کنند و نه برای خواسته های خویش."

میتوان به آشکارا دید که زرتشتیها با گسترش دادن دانش روشهای بابلیان را دگرگون کردند.

همینگونه است سرگذشت یهودیانی که از کوروش بزرگ اجازه بازگشت به اورشلیم را یافتند و برای ساختن پرستشگاه خویش کمک مالی دریافت کردند. به نظر میرسد که ایشان اندیشه خود را دگرگون کردند چه میبینیم که آنها ساختن پرستشگاه به شیوه یهودیان اورشلیم را نپذیرفتند.

ایران زمین

«آنگاه آنان به نزد زروبابل سردمدار بزرگ یهودیان رفته و گفتند بگذار تا ما با تو دست به ساختن کنیم چرا که ما نیز خدای تو را پرستش میکنیم و ما هم از روزگار پادشاه آشور که ما را به اینجا آورد برای همان خدا قربانی میکرده ایم.» (انجیل ازرا ۴:۲)

«اما زروبابل و جاشوا و سایر بزرگان و سردمداران اسرائیل به آنها گفتند شما کاری به برپاداشتن پرستشگاه برای خدای ما نداشته باشید. ما خود برای خدای اسرائیل پرستشگاه میسازیم بدانگونه که کوروش شاه پارس به ما فرمان داده.» (انجیل ازرا ۴:۳)

بنظر میرسد که پیام گاتاها کارگر افتاده.

«این پیام و راهنمایی خوب میآورد برمنش دانش خوب و آن فرد

بپیش

می رود و بدست می آورد دُرست کاری همچین کسانی که به او

نزدیک اند»

حال به مصر میپردازیم: آنها به زندگی پس از مرگ باور داشتند و تمامی دارایی خود را هزینه ساختن اهرام میکردند. داریوش بزرگ آن

ایران زمین

دارائیهها را برای کندن آبراه داریوش بین دریای سرخ و دریای مدیترانه از راه رود نیل بکار برد. او از این راه تجارت را گسترش داد و شادکامی برای مردم مصر آورد.

و این روشن کرد بر آنها
تا همگی اصلاح شوند
و خرد بر آنها آورد راهنمایی دُرست
خوب بهره بری از منش نشان داد
به آنها راز زندگی
تا با دادن دانش بدکاران اصلاح شوند
زرتشت - گاتا یسنا هات ۳۰ بند (۸) (ف ر)

ایرانیان به هر کجا که رفتند پیشرفت و دگرگونی به سوی بهتر شدن نژاد آدمی را به همراه آوردند. هرآنچه کردند برای بهبود حال همه انسانها بود و نه برای سود خویش. همانگونه که «هرودوت» گفته: "نیایش راستین برای بهبود همگان و شاه که خود یکی از ایشان است مجاز میباشد و نه برای خواسته های خویش". بنابراین میبینیم که هخامنشیان زرتشتی پرستشگاه بُرج بابل را گسترش ندادند ولی آبراه داریوش را ساختند، سیستم آبیاری را بنا نهادند، آبراههای دریایی را از رود سند (ایندس) در هند تا نیل در مصر شناسایی کردند، راه

ایران زمین

زمینی میان شوش و ساردیس را کشیدند و سیستم پست را آفریدند. همهٔ اینها دستاوردهایی ارزشمندی میبود که ما بیشتر آنها را تا به امروز بکار میبریم.

هخامنشیان بر کشاورزی، دادوستد، دادگستری، صلح و بالاتر از همه بر دانش و مذهب نشان خویش را برجای گذاشتند.

هنوز در اوستا گفته میشود "تنی و روانی". بدن بر روان پیشی میجوید. همین فلسفه به خودخواهی میدان نداد و بجایش همزیستی را رهنمون شد. بنابراین امپراتوری هخامنشیان بهبود زندگی همگی انسانها را در اندیشه داشتند. درجائیکه از بدن نگاهداری شود، روان پویا خواهد شد. از اینرو زرتشتیها به کشاورزی برتری ویژه ای میدادند.

ایرانیان برنج را به میان رودان (مسوپوتامیا)، پسته را به سوریه و کنجد را به مصر شناساندند. آنان دانش بافتن از رشته های کتان را بوجود آوردند. تا آن زمان از کتان فقط برای روغن کشی استفاده میشد. در سراسر امپراتوری هرکجا که زمینۀ پروردن فراهم بود، میوه ها و سبزیهایی را آوردند که بر مردم بومی ناشناخته بود. یونجه را که خوراک مناسبی برای چهارپایان است از کشور ماد به مدیترانه

ایران زمین

آوردند.

کشاورزی را در بخشهای دوردست مصر نه برای غذای بیشتر برای خودشان بلکه برای بهتر کردن حال مصریها آوردند. آنها مرغ و خروس وحشی هندی را به مدیترانه بردند تا ماکیان اهلی شوند.

هخامنشیان چاههای قنات (کاریز) را بوجود آوردند که برای آبیاری از راه کانالهای زیرزمینی و فرستادن آب چشمه های سرزمینهای پرآب تر برای کشاورزی زمینهای کم آب تر میباشند.

از کاریزها در فلات ایران بهره برداری میشد زیرا بیشتر زمینهای نزدیک به چشمه ها برای کشاورزی مناسب نبود. اگر میخواستند آب چشمه را از راههای روی زمینی بفرستند، بیشترین آب بخار میشد. کمبود آب ایرانیان را بر آن داشت که با کندن کانالهای زیرزمینی هم آب را به جاهاییکه به آب نیاز داشتند برسانند و هم از بخار شدن آب جلوگیری کنند. از اینرو راه آبهای زیرزمینی که فرسنگ ها از آغاز تا به پایان درازا داشتند کنده شد.

کندن کانالهای زیرزمینی یک پیشرفت بزرگ مهندسی بشمار میآمد. برای کندن آبراهها آنها میباید گودی

ایران زمین

و زاویه ویژه کردن را که به دیوارهای کانال کمترین آسیب را برسانند بدانند. برای جاری شدن آب به محلهای مورد نظر دانستن هندسه، ریاضیات و زمین شناسی لازم بود. فیثاغورث که گفته میشود ستونی برای خوبیها و ستونی برای بدیها کشیده بود، دانش هندسه را از ایرانیان آموخت. او آنچه را که دانش کاربردی در میان ایرانیان بود به شکل واژه ها و تئوریهای بیان داشت که امروز نام او را بلند و پرآوازه نموده است ولی از ایرانی صحبتی در میان نیست.

کاریزها گاه میباید مسافتی بیش از ۶۰ مایل را بویژه در بیابانها دربرگیرند. امروزه ما از دانش کردن راه زیرزمینی آگاهی داریم و بهتر میتوانیم به دانش و سنجه (استاندارد) بالای ایرانیان در ۲۵۰۰ سال پیش پی برده و بر آن ارج گذاریم. این روشهای آبیاری بعدها در سراسر امپراتوری از هند تا مصر شناسانده شد و هنوز هم در یزد و کرمان در ایران بکار میروند.

با چنین دانشی ایرانیان فردوس را می ساختند. باغ میوه ها و گلها، نشانه هماهنگی آدمی و طبیعت، پاداش سختکوشی و احساس آنها آنرا فردوس مینامیدند. یونانیها به آن پردیز گفتند که دربرگیرنده «پر» به معنی گرد و «دیز» به معنی دیوار بسته. پردیز در انگلیسی پارادایز گفته شد. فردوس برای اولین بار در کتاب «اوکونومیکوس»

ایران زمین

اثر «گزنوفون» شناسانده شده درجایی که نویسنده میگوید چگونه کوروش پسر اردشیر خودش فرمانده رومی «لیساندر» را به گردش در باغ فردوس در ساردیس برد.

"... لیساندر زیبایی درختان، نظم فاصله ها، راست بودن ردیفها، هماهنگی زاویه ها و گوناگونی عطرها را میستاید..."

این دقیقاً همان است که ما امروزه از یک باغ که بر پایه دانش پرورش داده شده چشم داشت داریم. دانش کاربردی زرتشتیها بسیار بود. آنچه را دانشمندان ژاپن و شوروی در سالهای ۱۹۶۰ آموختند اوستا هزارها سال پیش در "ماه یشت" داشت.

«در بهار، با هلال ماه اگر دانه ای کاشته شود میوه آن پربارتر و شیرین تر خواهد شد.»

امروزه دانشمندان میدانند که دانه ای که در بهار و با پیدا شدن هلال ماه کشت شده باشد از دانه ای که در روزهای دیگر ماه کشت شده باشد با شتاب بیشتری رشد میکند و سالمتر میماند.

هخامنشیان به کمک کاریزها بیابان را شکوفا کردند. اما بابل مشکل دیگری داشت: سیل، این مشکل چنان بزرگ بود که الهام بخش سروده های حماسی چون گیل گامش و داستانهای انجیلی چون

ایران زمین

کشتی نوح گشت.

زرتشتیها شیوه آبیاری ضربدری بین دو رود دجله و فرات را آفریدند. سلسله ای از سدها جاری شدن آب را کنترل میکردند و آشور و بابل را انبار غله امپراتوری ساخته بودند. این روش آبیاری چنان پیروز بود که «هرودوت» در ۴۵۰ پیش از میلاد آن منطقه را سرشارترین سرزمین غله خیز در جهان مینامد. او مینویسد: «کمترین خوشه های گندم و جو سه اینچ پهنا دارند. دیگر در مورد اندازه های شگفت آور ارزن و کنجد حرفی نمیزنم اگرچه بخوبی میدانم چه اندازه رشد میکنند. این را هم میدانم که مردمی که پیش از این به بابل نیامده اند سخنان مرا در مورد باروری این بخش باور نخواهند کرد.»

تنها باروری و آبیاری نبود که فرآوردهای چون آنکه «هرودوت» میگوید را به بار آورد. ایرانیها دانش کشاورزی خود را هم بکار بردند.

بنابراین سیل پدیده گذشته شد. کامیابی و سرشاری حتی نویسندگان تورات را رهنمون شد که بگویند: (جنسس ۸:۲۱) "و خدا رایحه شیرین را بو کشید و در دل گفت: من دیگر زمین را از روی کارهای آدمی نفرین نخواهم کرد..."

ایران زمین

اما این وعده برای همیشه به درازا نکشید. چنانکه «بلادهوری» تاریخ نگار میگوید در ۶۲۹ پس از میلاد در زمان پادشاهی خسرو پرویز - یکی از آخرین پادشاهان زرتشتی- آب دجله و فرات بالا آمد و سیلی براه انداخت که پیش از آن هرگز دیده نشده بود. سدهای هردو رودخانه در جاهای مختلف شکسته شد و سرانجام تمامی سرزمینهای پیرامون در زیر آب فرو رفت. خسرو پرویز خود بر دوباره سازی سدها پروا کرد و در این راه از جان مردم و اندوخته خزانه مایه گذاشت اما نتوانست سیل را مهار کند. آب بازگشت دادنی نبود و باتلاقی که به این شکل بوجود آمدند همیشگی شدند.

امروزه باتلاقیهای بابل در عراق بخوبی شناخته شده اند و مردم بار دیگر در این مردابها زندگی میکنند و بیشترین فرآورده آنها خرماس است. انبار غله زرتشتیها امروزه در عراق به زمین بی بار تبدیل شده.

برای آنکه همگی مردم از خوبیهای زندگی بهره ببرند، ایرانیها دادوستد و بازرگانی را ارج مینهادند. رواج دادن سکه استاندارد "زریک" (زر بمعنی طلا) در سراسر امپراتوری و بکاربردن وزنها و اندازه گیرهای یکنواخت بازرگانی و دادوستد را آسان کرده و به شکفتگی رساند.

ایران زمین

برای شکوفایی زندگی همگان دادگستری بسیار مهم است و دادگستری پارسها زبانزد بود. در سراسر امپراتوری داوران زرتشتی بودند و انجیل از هماهنگی در قانون را نمونه آورده و آنرا ارج گذاشته:

"... بر اساس قانون مادها و پارسها که تغییر پذیر نیست (دانیال ۶:۸)"

خرد، پیشرفت و تغییر بسوی خیر آدمی چیزهایی هستند که ما در طی دو قرن و نیم فرمانروایی زرتشتیهای راستین میبینیم. اگر چه در این مدت چند پادشاه بد و شماری شهروندان بد نیز بودند اما بیشترینها هستند که به شمار میآیند.

گسترش دانش

دانش را هنگامی بدست میآوری
 (با) بهره گیری (از) منش نیک،
 زمانی که خرد را دریافتی
 راهی بسوی راستی،
 بالا ترین پیام خرد؛
 بوسیله واژه های برتر
 ما می بایست باز گردانیم

ایران زمین

آنهایی که بی بهره اند

با گفتار.

زرتشت . گاتاها یسنا هات ۲۸ بند ۵ (ف ر)

۲۵۰۰ سال پیش از این دو ابر قدرت جهان، از یکسو ایرانیان بودند و از سوی دیگر یونان و روم. فلسفه زندگی آنها یکسان نبود. یونانیها و رومیها خدایان بسیار داشتند که در بهشت با بکارگیری آدمیان در بازی شطرنج با سرنوشت آنها بازی میکردند. دانش محدود به پرستشگاهها و در قلمرو خدایان بود. بجای بکار انداختن اندیشه خود با قربانی کردن برای خدایان چاره دشواریها خویش را میجستند. «دلفی» غیب گو در آتن الهه ای بود توانگر که هیچگاه در پیش بینی پیشامدها اشتباه نمیکرد زیرا اشتباه در پیش بینی او به اشتباه در فهمیدن پیش بینیهایش از سوی انسانها نسبت داده میشد. ما این را در لابلای گزارشهای هرودوت و گزنفون میبینیم.

برای رها کردن از چنین فلسفه خامی ایرانیها میباید دانش خود را به یونانیها گسترش میدادند. بازتاب آنرا ، پس از آشنایی یونانیها با ایرانیان می بینیم. در ابتدا یونانیها مقاومت کردند و حتی سقراط را کشتند. اما دوره آموختن و بررسی در میان یونانیان بعد از قرارداد صلح با اردشیر دوم، در ۴۴۹ پیش از میلاد، آغاز شد و گواهی بر

ایران زمین

تأثیر زرتشتیها را دارد. شناخته شده ترین فیلسوفان، تاریخ نگاران، سرایندگان و اندیشمندان پس از این تاریخ در یونان پدید آمدند. افلاتون (در ۴۲۸ پیش از میلاد به دنیا آمده)، آنتریس تنس (در ۴۴۶ پیش از میلاد به دنیا آمده)، ایوکلیدس (در ۴۳۵ پیش از میلاد به دنیا آمده) و گزنفون همگی شاگردان سقراط شدند.

هوریس، ولیوس پاترگوس، استراتاژمز، تاکتوس، پلوتارک، دیوکاسیوس، آپین، آراین، هرودین، فرونتو و لوسین شماری از یونانیهایی هستند که هرآنچه میتوانستند از زرتشتیها آموختند و آنرا به سبک خود نوشتند. دنیای امروز از این دانش آموختگان یادآور میشود و اندیشه های ایشان را فلسفه، ریاضیات، پزشکی و غیره یونان مینامد و سرچشمه این دانش را فراموش میکند.

این که ایرانیان بعنوان ابرقدرت اینهمه دگرگونیهای خیر بسوی پیشرفت را بنیان نهادند در مقایسه با یونانیان هم زمان خویش که سقراط را به کشتن دادند، بیان کننده حقایق بسیاری است و وقتی ما گاتاهای را میخوانیم سرچشمه دیدگاه آنان به زندگی را درمیابیم.

همین سرچشمه یعنی گاتاهای زرتشت است که اندیشمندان قرن بیست و یکم که جویای دانش و پیشرفت هستند نیاز دارند بخوانند و بکاربرند. در نتیجه زمانی که به دانش اتمی دست یافتند از آن بمب

ایران زمین

اتمی بوجود نیاورند و هنگامی که دانش پرواز را آموختند از آن برای انداختن بمب استفاده نکنند.

هرگاه این آیین را در یابید
 که خرد پدید می آورد برای مردم
 شادی و رنج
 و اینکه پیروی از دروغ آسیب می رساند
 به پیشرفت و پیروان راستی
 آنگاه براستی در پرتو این (آگاهی) بخرسندی خواهید رسید
 زرتشت - گاتاها یسنا هات ۳۰ بند ۱۱ (ف ر)

دو هزار و پانصد سال پیش گاتاها با وجود دشواریها بزرگ و با وجود یورشهایی که کم و بیش آنها به فراموشی کشاند، عامل اساسی در آوردن پیشرفت نیکی در میان همگان بود. امروزه ما نیاز داریم که بار دیگر اینرا شناخته و آموزشهای گاتاها را با اندیشه باز پیگیری کنیم چرا که دنیای امروز نیاز دارد که معنی گاتاها را بشکلی که هیچگاه در گذشته دنبال نشده، فهمیده و پیگیر شود.

بشنوید شما با گوش های خود والاترین راستی را

بنگرید با بینش روشن

میان راهها، پیش از آنکه برگزینید،

ایران زمین

فرد فرد برای خویشتن
پیش از آنکه بزرگی پیام را
بدرستی گسترش دهند بفهمند آنرا
زرتشت . گاتاها یسنا هات ۳۰ بند ۲ (ف ر)

مآخذ